آموزش شاگردانی برای آموزش
جلسه ۸: اطاعت (4b)

ارائه شده توسط ران لایولی، M.Div.، M.A. – BiblicalMentoring.org (مطالعات)

مرحله ۱: دعای افتتاحیه

مرحله ۲: هر فرد آیه خاطره را نقل می کند: آیه: **ارمیا ۱۵:۱۶**
«کلماتت پیدا شدند و من خوردم و کلماتت برایم شادی شدند
و شادی قلبم، زیرا به نام تو خوانده شده ام، ای خداوند، خدای لشکریان.»

مرحله ۳: *تمام یا بخشی از فصل کتاب مقدس را بخوانید و بحث کنید – ارمیا ۱۵*

مرحله ۴: سوالات برای درخواست های شخصی و/یا بحث های گروهی:

1. چرا حفظ کردن آیات کلیدی کتاب مقدس اهمیت دارد؟
2. چرا جستجوی یا تکیه بر «حس صلح» برای یافتن یا پیروی از اراده خدا خطرناک است؟ یونس را به یاد داشته باشید که درباره اراده خدا برای رفتن به نینوا آرامش نداشت.
3. درباره ارزش و خطرات پیروی از احساسات در مقابل اطاعت از کلام خدا تأمل کنید.
4. شاگردان چگونه «اراده اطاعت از کلام خدا» را انجام می دهند؟ به یاد داشته باشید که عمل بلندتر از کلمات سخن می گوید.
5. توضیح دهید که چگونه توسط روح القدس توانمند شده ایم و تنها نمی مانیم تا به تعهد خود برای پیروی از مسیح عمل کنیم.

مرحله ۵: *محتوای کتاب را بخوانید و بحث کنید:*

فصل ۴ب به گفته نویسنده – کیت فیلیپس:

وقتی با یک معضل جدی، وسوسه شدید یا تصمیمی مهم روبرو می شوند، تنها ساده لوحان باور دارند که می توانند به سرعت به خدا دعا کنند، کتاب مقدس را باز کنند و به طور جادویی پاسخ را کشف کنند. اگرچه خدا محدود نیست، روح القدس معمولا انتخاب می کند چیزهایی را که از قبل وجود دارند به یاد ما بیاورد. عیسی هشدار داد: «... شما اشتباه می کنید که کتاب مقدس یا قدرت خدا را نمی دانید» (متی ۲۲:۲۹ KJV). شاگرد باید دانش عملی از کلام خدا داشته باشد.

یک معلم مدرسه باور داشت که خدا او را هدایت می کند تا قرارداد تدریسش را بشکند تا با ما خدمت کند. او مطمئن بود که این اراده خداست چون درباره آن «آرامش» داشت.

همیشه از پیوستن مبلغین جدید به گتو هیجان زده ام. کارکنان فعلی ما نمی توانند به همه کسانی که از طریق خدمت ما می خواهند خدا را بشناسند پاسخ دهند. اما می دانستم که این اراده خدا نیست که این معلم قراردادش را بشکند. خدا می گوید: «اگر مردی به خداوند نذر کند یا سوگند بخورد که خود را به تعهدی الزام آور متعهد کند، کلام خود را نقض نکند؛ باید مطابق هر آنچه از دهانش بیرون می آید عمل کند» (اعداد ۳۰:۲). کلام خدا، نه «حس صلح»، اراده او را آشکار می کند. یونس را به یاد دارید؟ او هیچ «آرامشی» درباره رفتن به نینوا نداشت، اما قطعا اراده خدا بود، همان طور که در «کلام خداوند» آشکار شد (یونس ۱:۱).

من معتقدم که این معلم صادقانه می خواست از خدا اطاعت کند و احساساتش او را به این باور رساند که حق با اوست. اما زندگی مسیحی بر اطاعت از کلام خدا استوار است، نه پیروی از احساسات. پولس گفت: «... در شرارت نوزادان باشند، اما در اندیشه ات بالغ باش» (اول قرنتیان ۱۴:۲۰). «ایمان کودکانه» اجازه ای برای جهل نیست. پولس بارها گفت: «نمی خواهم تو نادان باشی....»

بدون دانش کافی از کلام خدا، شاگرد آینده خود را بر احساسات، امیدها و نظرات قمار می کند، به جای اینکه آن را در اراده خدا و حقایق ایمانش تضمین کند. یک شاگرد کشف ارمیا را تجربه می کند: «کلمات تو یافت شد و من آن ها را خوردم و کلمات تو برای من شادی و شادی قلبم شد...» (ارمیا ۱۵:۱۶).

تو باید اطاعت کنی

شما باید متعهد باشید که کلام خدا را حتی قبل از اینکه بدانید چه می گوید، اطاعت کنید. سال ها پیش، یک طناب باز معروف در حال عبور از آبشار نیاگارا با سیم بود. او از جمعیت پرسید آیا فکر می کنند می تواند این کار را انجام دهد. وقتی آن ها باور خود را تأیید کردند، دوباره پرسید: «واقعا باور دارید من می توانم این کار را انجام دهم؟» وقتی فریادهایشان نشان دهنده ایمان مطلق بود، او داوطلبی خواست که سوار بر پشتش شود.

تعهد یعنی پیوند دادن خود به یک فرد، یک ایده آل یا هدف، فارغ از پیامدهای آن. تعهد شما تعهدی است برای پیوند به مسیح، یکی شدن با او؛ اینکه آینده و حتی زندگی تان را در دستان او قرار دهید. پولس مؤمنان را تشویق می کند که «بدن های خود را قربانی ای زنده و مقدس که مورد قبول خدا باشد، تقدیم کنید...» (رومیان ۱۲:۱).

بیشتر مسیحیان می خواهند از کلام خدا اطاعت کنند، اما خواستن کافی نیست. خواستن اغلب تابعی از احساسات شماست. این موضوع با احساسات شما نوسان دارد. شاگرد اراده می کند که از کلام خدا اطاعت کند.

خدا انتظار ندارد که شما اراده ای شبیه مسیح را به تنهایی اعمال کنید. پولس تعلیم می دهد که «... این خداست که در شما عمل می کند، هم برای اراده و هم برای رضایت خوب او» (فیلیپیان ۲:۱۳). اراده ای که با روح تقویت شده است می تواند احساسات شما را تحت الشعاع قرار دهد و شما را به عمل بر تعهد قبلی تان به مسیح هدایت کند (رومیان ۸).

یادم می آید در هتلی اقامت داشتم که استخر شنا با تخته شیرجه بلند داشت. با ترس زیاد تصمیم گرفتم یک شیرجه از آن تخته بلند بردارم. با احتیاط از پله های فلزی بالا رفتم و روی آن تخته فایبرگلاس لرزان ایستادم. شکی نداشتم که جاذبه می تواند مرا به داخل استخر بکشد. اما همچنین می دانستم که احتمالا این اتفاق نمی افتد مگر اینکه بپرم. می توان جاذبه را با کار خدا در توانمندسازی ما مقایسه کرد؛ جاذبه همیشه در دسترس است وقتی که بخواهیم اطاعت کنیم.

یک فلسفه برجسته امروزی این است: «اگر حس خوبی دارد، انجامش بده.» اجتناب از احساسات یا تجربیات منفی برای بسیاری به بالاترین قانون تبدیل شده است. آن ها به اشتباه تصور می کنند که لذت و خوشبختی مترادف هستند. شیطان استاد خوب جلوه دادن شر است. او شرارت را با زیبایی وسوسه انگیز نقاشی می کند و وعده رضایت لذت بخش می دهد. اگر گناهان لذت بخش نبودند، وسوسه ای نبودند.

مردی که تازه همسرش را ترک کرده بود تا خوشبختی را بیابد، به من اطمینان داد که خدا تأیید خواهد کرد. خدا می خواست او خوشبخت باشد و این در وضعیت فعلی اش غیرممکن بود—با وجود آن عهد «در خوشی و ناخوشی... تا زمانی که مرگ ما را از هم جدا کند.» او ممکن است لذت موقتی پیدا کند، اما خوشبختی نخواهد یافت. خوشبختی واقعی تنها با اطاعت از خدا به دست می آید.

وقتی بین کلام خدا و احساسات فرد تضاد وجود دارد، شاگرد اراده می کند آنچه خدا می گوید را انجام دهد. این همان چیزی است که مسیحیت درباره اش است.

یکی از بزرگ ترین تراژدی های مسیحیت قرن بیستم این است که بسیاری از مؤمنان آگاه به کتاب مقدس فراتر از اطاعت خود آموزش دیده اند. برخی مسیحیان روش «فرو رفتن و پرش کردن» را برای اطاعت از کتاب مقدس به کار می برند. آن ها به وعده ها می پردازند و فرمان ها را نادیده می گیرند! یا بر برخی آیات «مهم» تأکید می کنند و برخی دیگر را نادیده می گیرند و دوم تیموتائوس ۳:۱۶ را بی اعتبار می کنند که اعلام می کند: «تمام کتاب مقدس الهام گرفته از خداست...» (ایتالیک اضافه شده است).

روابط اولیه من با جوانان در واتس با مشاجره ها و بحث های طولانی درباره سوالاتی مانند: «آیا می توانی ثابت کنی خدایی وجود دارد؟»، «چطور یک باکره می تواند فرزندی به دنیا بیاورد؟» یا «چرا خدای محبت اجازه فقر یا کودک آزاری می دهد؟» مشخص می شد.

می دانستم که کلام خدا می گوید: «در بحث درباره سوالات بی پاسخ و ایده های الهیاتی بحث برانگیز دخالت نکن... چون این نوع کارها ارزش ندارد؛ فقط آسیب می زند» (تیتوس ۳:۹ LB). اما فکر کردم این تنها راه برای متقاعد کردن آن مردان خیابانی به ایمان آوردن به مسیح است. پس این اصل را رد کردم. در تلاش برای تبدیل آن ها صادقانه بودم، اما از کلام خدا اطاعت نمی کردم. و هرگز در یک بحث پیروز نشدم.

در نهایت تصمیم گرفتم راه خدا را امتحان کنم. نمی خواستم با کتاب مقدس بحث کنم یا از آن دفاع کنم، فقط آن را اعلام کنم (دوم تیموتائوس ۴:۲). شروع کردم به دعا کردن برای آن جوانان. وقتی فرصت پیش آمد، محبت خدا را با آن ها شریک شدم. خیلی زود روح خدا چهار نفر از آن ها را قانع کرد که از مسیح پیروی کنند. اما بقیه هرگز این کار را نکردند. دل هایشان با بحث های ما سخت شده بود. مسیح به یک شوخی تبدیل شده بود؛ مسیحیت، یک بازی.

اگر فقط از خدا اطاعت می کردم، کاملا و بدون سؤال، می توانستم مانع کار روح القدس نشوم. حق نداشتم انتخاب کنم چه چیزی را اطاعت کنم. دانستن آنچه کتاب مقدس می گوید بدون اطاعت از آن، توهینی نفرت انگیز به خداست.

رومیان ۶:۱۶ می پرسد: «آیا نمی دانید که وقتی خود را به کسی به عنوان برده برای اطاعت معرفی می کنید، برده کسی هستید که از او اطاعت می کنید...؟» از آنجا که مؤمن متعهد به اطاعت از اراده خدا است، همان طور که روح القدس آن را آشکار می کند، کلام خدا را با تعهدی پیشین برای زندگی آنچه می آموزد مطالعه می کند. این عزم شواهد غیرقابل انکار است بر اینکه او شاگرد مسیح است.

صفحات ۴۲-۴۵

چک لیست شاگرد – Obedience؟
___ من با وفاداری کلام خدا را مطالعه می کنم.
___ من از کلام خدا اطاعت خواهم کرد.

***مرحله ۶:** درخواست های دعای شخصی را به اشتراک بگذارید و سپس هر برای درخواست دیگری دعا کند.*

منبع: شکل گیری یک شاگرد توسط دکتر کیت فیلیپس. انتشارات توسط شرکت فلمینگ اچ. رول، ۱۹۸۱. شابک 0-8007-1181-5. مقدمه توسط رابرت ای. کولمن. محتوا (به جز سوالات مطالعاتی) بدون بازنگری از کتاب گرفته شده است.